ادبیات جهان چیست؟

دیوید دمراش
ترجمه‌ی مصطفی حسینی

BAAN
PUBLISHERS

ادبیات جهان چیست؟

دیوید دمراش
ترجمه‌ی مصطفی حسینی

سرشناسه: دَمراش، دیوید، ۱۹۵۳ـ م. Damrosch, David
عنوان و نام پدیدآور: ادبیات جهان چیست؟/دیوید دَمراش؛ ترجمه‌ی مصطفی حسینی.
What Is World Literature?
مشخصات نشر: تهران: نشر بان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.؛ ۱۳/۵×۲۱/۵ س‌م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۱۴۵۰-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت:کتاب حاضر ترجمه‌ی فصل‌هایی از آثار مختلف نویسنده است.
موضوع: ادبیات ــ تاریخ و نقد
موضوع: Literature – History and criticism
موضوع: ادبیات تطبیقی
موضوع: Comparative literature
شناسه افزوده: حسینی، مصطفی، ۱۳۵۲ -، مترجم
رده بندی کنگره: PN۵۲۳
رده بندی دیویی: ۸۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۲۴۸۳۹

دیوید دَمراش
ادبیات جهان چیست؟
مصطفی حسینی

چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: زمستان ۱۳۹۹
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: دفتر نشر بان (پریا اسماعیلی)
ویراستار: سمیه کنعانی، نمونه‌خوان: فرهاد گلچین

شمارگان: ۱,۱۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان
همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.
مدیریت هنری و طراحی گرافیک:
استـودیو ملّی
امید نعم‌الحبیب / مهسا قلی‌نژاد

مرکز پخش: پخش بان
انقلاب، خیابان بزرگمهر، پلاک ۲۲، طبقه‌ی اول
تلفن: ۶۶۴۱۸۱۸۳-۰۲۱

فروش اینترنتی:
www.agahbookshop.com و www.baanpub.com

۳۸,۰۰۰ تومان

instagram.com/baanpublishers

کاغذ «بالک»، همراه طبیعت

FSC PEFC
FSC C019863 PEFC/05-33-134

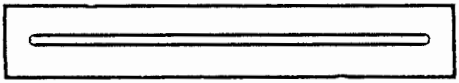

فهرست

درباره‌ی این کتاب ۱۳

فصل یکم ۱۹
ادبیات جهان چیست؟ ۲۱

فصل دوم ۷۳
گفت‌وگو درباره‌ی ادبیات جهان ۷۵

فصل سوم ۸۷
منشأ موتیفِ غنچه‌ی رُز در شعر رابرت هِریک ۸۹

فصل چهارم ۹۹
مروری گذرا بر ترجمه‌های انگلیسی هزارویک شب ۱۰۱

فصل پنجم ۱۱۵
در طلبِ گیلگمش ۱۱۷

فصل ششم ۱۶۹
گیلگمشِ صدام حسین ۱۷۱

نمایه ۱۸۹

به یاد دکتر فاطمه سیاح
بنیان‌گذار ادبیات تطبیقی در ایران

یاد و سپاس

اول بار از رهگذر کلاس‌هایِ روزآمد و روش‌مند استادِ فاضل و فرهیخته‌ام، دکتر علیرضا انوشیروانی، در دوره‌ی دکتری دانشگاهِ کرامند شیراز، با نام و آثار پرفسور دیوید دمراش، که زندگانی‌اش دراز باد، آشنا شدم.

به‌علاوه، تقریباً در همان سال‌ها بود که اندیشه‌ی گزینش و بازگردانِ مجموعه‌ای از جستارهای برگزیده‌ی دمراش درباره‌ی ادبیات جهان در ذهن‌ام جوانه زد.

افزون بر این‌ها، ایشان از سرِ لطف این مجموعه‌مقالات را مطالعه و نکات ارزش‌مندی را یادآوری کردند که از این بابت، از ژرفاژرفِ قلب‌ام از آن استاد گران‌مایه سپاس‌گزارم.

همچون همیشه، هم ولایتی عزیزم، سلمان احمدوند، دستی ویراستارانه

بر سرِ فصول این کتاب کشیدند که از او نیز تشکر می‌کنم. دانشجوی ممتازم، مبینا علی‌حسینی، یک‌بار از آغاز تا انجام، فصول ششگانه‌ی این مجموعه را با تأنی بسیار نمونه‌خوانی کردند و نکاتی را یادآور شدند؛ از او نیز سپاس‌گزارم.

شکر که این نامه به‌پایان رسید

مصطفی حسینی

کی‌کیان، تابستان ۱۳۹۸

درباره‌ی این کتاب

تا به امروز نزدیک به دو قرن است که مفهومِ ادبیات جهان بر زبان‌ها جاری بوده و تجربت آموخته، با وجود این در بخشِ اعظم این زمان، تقریباً حیاتی شبح‌گونه داشته است. عموم تطبیق‌گران یوهان ولفگانگ فُن گوته[1] (۱۷۴۹ـ۱۸۳۲) را واضعِ این اصطلاح دانسته‌اند، اما اکنون می‌دانیم که اگوست لودویگ شلوزِر[2] تاریخ‌نگار و کریستف مارتین ویلاندِ[3] نویسنده پیش از او این اصطلاح را به‌کار برده‌اند. با این‌همه، این حقیقت که استفاده‌ی مکرر گوته از این اصطلاح در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۲۷ تا ۱۸۳۲ بیش‌ترین تأثیر را در رواج آن داشته است انکارناشدنی است. به هر تقدیر، در اواخرِ دهه‌ی ۱۹۹۰ بود که تطبیق‌گران دریچه‌های ذهن خود را به روی ادبیات جهان گشودند و اشتیاقِ روزافزونی به آن نشان دادند.

1. Johann Wolfgang von Goethe
2. August Ludwig von Schlözer
3. Christoph Martin Wieland

حاصل این کوشش‌ها بازتعریفِ ادبیات جهان و گسترش رویکردهای تازه به آن بود.

احیایِ مفهوم ادبیات جهان در دهه‌های اخیر معلول عواملی چند است، اما ظاهراً دو عامل اهمیت بیش‌تری دارند. عامل نخست فراتر از قلمرو ادبیات و مطالعات ادبی است و به برنامه‌ی جهانی‌سازی و تأثیرات آن بر فرهنگ و هویت بازمی‌گردد. چنان‌چه از این دریچه به آن بنگریم، علاقه‌ی احیاشده به ادبیات جهان پاسخی است به نیازی برای اندیشیدن به نقش ادبیات فراتر از دولت‌ـملت در دنیایی که دامنه‌ی دادوستدِ فرهنگی پیوسته گسترش بیش‌تری می‌یابد. عاملِ دیگر مربوط به سامان‌دهی درونی مطالعات ادبی است. از قرار معلوم، ادبیات جهان برای مدتی طولانی زیرمجموعه‌ی گروه‌های ادبیات تطبیقی بوده است و ادبیات تطبیقی در مقام عمل، به دلایل گونه‌گون از برآوردن مطالباتِ بلندپروازانه و جامع ادبیات جهان، چنان‌که شایسته‌ی آن است، بازمانده است. این امر بی‌تردید از سویی در وسعتِ دامنه‌ی تحقیقات ادبیات جهان و از دیگر سو در بی‌علاقگی تطبیق‌گران غربی به ادبیات‌های به‌اصطلاح «کِهتر» و خاصه غیرغربی ریشه دارد. پرداختن به بخشِ اعظم ادبیات جهان به متخصصانِ ادبیات‌های ملی یا محلی محول شده بود، اما با این‌که بسیاری از آثار مهم ادبی جهان از رهگذر ترجمه در دسترس علاقه‌مندان قرار داشت، گروه‌های ادبیات تطبیقی بیش‌تر به ادبیات غربی پرداختند.[1]

پرفسور دیوید دمراش از برجسته‌ترین استادان ادبیات تطبیقی و ادبیات جهان در روزگار ماست. وی دانش‌آموخته‌ی دانشگاهِ ییل در رشته‌ی ادبیات تطبیقی است. دمراش سال‌ها در دانشگاهِ بریتیش کلمبیا تدریس کرده و همکار ادوارد سعید و گایاتری اسپیواک بوده است. از سال ۲۰۰۹ تا کنون رئیس گروه ادبیات تطبیقی دانشگاه هاروارد است. دمراش پژوهش‌گری سخت‌کوش و پرکار است و در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی و جهان چندین کتاب و مقاله‌ی راهگشا و ارزنده نوشته است. برخی از آثار برجسته‌ی او عبارت‌اند

1. D'haen, Theo, Domínguez, César and Mads Rosendahl Thomsen (eds.), *World Literature A Reader, 2013, p. x.*

از: *ادبیات جهان چیست؟*[1] (۲۰۰۳)؛ *کتابِ مدفون: گیلگمش در گذار سالیان*[2] (۲۰۰۷)؛ *چگونه ادبیات جهان را بخوانیم؟*[3] (۲۰۰۹)؛ *مرجع ادبیات تطبیقی، از عصر روشنگری اروپا تا جهانی‌سازی مدرن*[4] چاپ دانشگاه پرینستن (۲۰۰۹)؛ *تدریس ادبیات جهان* (۲۰۰۹)؛ *مبانی نظری ادبیات جهان* (۲۰۱۴)؛ و *مقایسه‌ی ادبیات‌ها: مطالعات ادبی در عصر جهانی*[5] (۲۰۲۰). شایان ذکر است که *گلچین ادبیات جهان* چاپ انتشارات لانگمن (۲۰۰۴)، در شش جلد، نیز با نظارت علمی ایشان به انجام رسیده است که از زمان انتشار در آغاز قرن بیست‌ویکم، به‌سرعت جای خود را به‌عنوان پرکاربردترین جُنگ ادبی جهان باز کرده است.

مجموعه‌ی حاضر دارای شش فصل است که از آثار مختلف پرفسور دمراش درباره‌ی ادبیات جهان برگزیده شده‌اند. درواقع، این فصولِ منتخب آمیزه‌ای از نظریه و عمل در بابِ ادبیات جهان است. فصل اول، «ادبیات جهان چیست؟»، برگرفته از کتابی است با عنوان *ادبیات جهان چیست؟* (۲۰۰۳) که عنوان اصلی آن «گوته اصطلاحی را ضرب می‌زند» است. این فصل را که دربردارنده‌ی آرای دمراش درباره‌ی ادبیات جهان است می‌توان بخشِ نظری این مجموعه به‌شمار آورد. بخش آغازین و انجامین آن در باب یوهان ولفگانگ فُن گوته و یوهان پتر اِکرمان، مصاحب و معاشرِ دهه‌ی پایانی عمر گوته، است. دمراش در مطاویِ بخش میانی این فصل نظراتش را درباره‌ی ادبیات جهان مطرح می‌کند. خلاصه‌ی کلام این‌که از منظرِ دمراش ادبیات جهان شامل تمام آثار ادبی، خواه در قالب ترجمه، خواه به زبان اصلی، است که فراتر از مرزهای ملی یا زبان‌شناختی-فرهنگی رواج دارند.

فصل دوم، «گفت‌وگو درباره‌ی ادبیات جهان»، برگرفته از کتاب *مرجع ادبیات تطبیقی، از عصر روشنگری اروپا تا جهانی‌سازی مدرن* (۲۰۰۹) است.

---

1. *What Is World Literature?*
2. *The Buried Book: The Loss and Rediscovery of the Great Epic of Gilgamesh*
3. *How to Read World Literature?*
4. *The Princeton Sourcebook in Comparative Literature: From the European Enlightenment to the Global Present*
5. *Comparing the Literatures: Literary Studies in a Global Age*

درواقع، این فصل بخشی منتخب از کتاب اکرمان با عنوان *در مصاحبتِ گوته در برفریزِ عمر* (۱۸۳۷) است که دمراش آن را برای کتابِ پیش‌گفته برگزیده و درآمدگونه‌ای هم بر آن نوشته است. این قسمت شاملِ روزنگارها[1]ی اکرمان در دو تاریخ پنجشنبه، ۲۵ ژانویه‌ی ۱۸۲۷ و چهارشنبه، ۳۱ ژانویه‌ی ۱۸۲۷ است. در خلالِ این دو نشستِ ادبی است که گوته ایده‌ی ادبیات جهان را پیش می‌نهد و در باب آن به‌تفصیل سخن می‌گوید. این فصل را باید تکمله‌ی فصل اول به‌شمار آورد.

فصلِ سوم، «منشأ موتیفِ غنچه‌ی رُز در شعر رابرت هِریک»، برگرفته از کتاب *چگونه ادبیات جهان را بخوانیم؟* (۲۰۰۹) است. این فصل نمونه‌ای عملی از قلمروِ تحقیق در ادبیات جهان است. در این جستار، دمراش می‌کوشد به مدد تصویرها و تمثیل‌ها سیرِ تاریخی موتیف غنچه‌ی رُز را ــ از شعر رابرت هِریک انگلیسی گرفته تا شعر پیر دو رُنسار فرانسوی و *غزل غزل‌های* سلیمان، تا فیلمِ همشهری *کین* اُرسن ولز و درنهایت طرح روی جلد کتابِ تام فیلیپس ــ بررسی و ریشه‌یابی کند. در شعرِ دم غنیمت‌انگارانه‌ی انگلیسی ــ که غنچه‌ی رُز موتیفِ غالب آن است ــ گوینده‌ی شعر خطاب به جوانان، خاصه دوشیزگانِ پاکیزه، تحذیرآمیز می‌گوید که عمر آدمی سخت کوتاه است و قافله‌ی عمر عجب درگذر است؛ ازاین‌رو پیش از آن‌که برفِ پیری و پریشانی بر سرتان بنشیند، تا می‌توانید کام خود را از زندگانی بستانید. گفتنی است که غنچه‌ی رُز نماد کوتاهی و گذرایی عمر و گریزناپذیری و قطعیت مرگ، و جمع‌آوری آن نماد کام‌جستن از مواهب حیات دنیوی است.

فصل چهارم، «مروری گذرا بر ترجمه‌های انگلیسی *هزارویک شب*»، برگرفته از کتاب *چگونه ادبیات جهان را بخوانیم؟* (۲۰۰۹) است. این جستار درباره‌ی نقش و اهمیت ترجمه در ادبیات جهان است. به باور دمراش، ترجمه مهم‌ترین ابزار پراکنش ادبیات در جهان است. ترجمه حتی برای زبان‌هایی با گستره‌ی جهانی ــ مانند انگلیسی، اسپانیایی و عربی ــ ضروری است؛ زیرا تنها اقلیت اندکی به این زبان‌ها تکلم می‌کنند. ازاین‌رو، اهمیت ترجمه برای زبان‌هایی که در سنجه با زبان‌های مذکور کاربران کم‌تری دارند

1. diaries

حتی از این هم بیش‌تر است. برای مثال، به مدد رسانه‌ی ترجمه است که می‌توان به رمان فراموش‌نشدنیِ *برف* نوشته‌ی اورهان پاموک به زبان‌های مختلف در گوشه و کنار دنیا دست یافت. بی‌گمان بدون رسانه‌ی ترجمه، آوازه‌ی پاموکِ رمان‌نویس از مرزهای وطن مألوفش، ترکیه، فراتر نمی‌رفت. به دیگر سخن، ترجمه راهِ دست‌یابی پاموک به جایزه‌ی نوبل ادبیات در ۲۰۰۶ را هموار کرد؛ و به برکت ترجمه است که رمان‌های او و آثار بسیاری دیگر از نویسندگان در کلاس‌های ادبیات جهان به درس خوانده می‌شود. هر ترجمه‌ی درخشان، به‌راستی تغییر بنیادی متن اصلی، تجلی ملموسِ تبادل فرهنگی و مرحله‌ای جدید در زندگانی اثر ادبی ــ پس از خروج از موطنِ اولیه و عزیمت به جامعه‌ی جهانی ــ است.

فصل پنجم، «در طلب گیلگمش»، برگرفته از کتاب *ادبیات جهان چیست؟* (۲۰۰۳) است. این فصل مقدمه‌ای روشنگرانه برای فهم بیش‌تر فصل بعدی است. دمراش در این فصل سیرِ گمشدن و بازیابی قدیم‌ترین حماسه‌ی ادبی جهان، *گیلگمش*، را در کمال اختصار برمی‌رسد. قرن‌ها بود که یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های جهان باستان، یعنی فرهنگ آشوری‌ـبابلی، از جریده‌ی عالَم محو شده بود و تنها در *کتاب مقدس* و گاه انگشت‌شماری از آثار کلاسیک اشاراتی گذرا به دوهزار سال تاریخ امپراتوری آن وجود داشت. بی‌تردید کشف تمدن و فرهنگ بین‌النهرینِ باستان طی قرن نوزدهم یکی از بزرگ‌ترین قلمروهای مدرن در حوزه‌ی ادبیات جهان را فراهم آورد؛ زیرا برای اولین بار گنجینه‌های ادبی ارزشمندی از هزاره‌ی دوم و حتی سوم قبل از میلاد در دسترس عموم خوانندگان قرار گرفت. این آثار در زمره‌ی کهن‌ترین متونی بودند که در گوش‌های از این جهان پهناور مدفون شده بودند و درواقع باید آن‌ها را نخستین آثار ادبی مکتوب محسوب کرد. موضوع از این قرار است که در ۱۸۴۰، سیاح جوان بریتانیایی، آستن هنری لایارد، به قصد کشف تمدن میان‌رودان (بین‌النهرین) که از قرارِ شواهد در ویرانه‌های نینوا، بابِل و اور قرار داشت، وارد استان موصل شد. وی به کمک هرمزد رسام *حماسه‌ی گیلگمش*، کهن‌ترین حماسه‌ی جهان، را در ویرانه‌های قویونجیکِ نینوا (واقع در موصل) یافت و بعداً جورج اسمیث نامی نور تازه‌ای بر آن تاباند و

غبارِ تاریکی را از آن زدود و از این رهگذر، این اثر روانه‌ی چرخه‌ی ادبیات جهان شد.

فصل ششم، «گیلگمشِ صدام حسین»، برگرفته از *کتابِ مدفون: گیلگمش در گذار سالیان* (۲۰۰۷) است. دمراش در این فصل نمونه‌ی عملی دیگری از قلمروِ تحقیق در ادبیات جهان را عرضه می‌کند. به نظر او، اگر اثری به کمک ترجمه‌ای چیره‌دستانه بتواند از مرزهای زبان‌شناختی و فرهنگی درگذرد و وارد چرخه‌ی ادبیات جهان شود، دیگر هیچ حدومرزی بین شرق و غرب عالَم نمی‌شناسد. به لطف رسانه‌ی ترجمه، آن اثر ادبی، در سفر کاشفانه‌اش به گرداگرد دنیا، خود را با قالب‌ها، رسانه‌ها، ژانرها و بافتارهای جدید سازگار می‌کند و هنرمندان عرصه‌های مختلف ــ از موسیقی، نقاشی، اپرا و باله گرفته تا معماری، مجسمه‌سازی، مینیاتور و غیره ــ با الهام از آن، آثار روزآمد و بدیعی می‌آفرینند. درِ این فصل دمراش دو اقتباس جذاب ادبی را بررسی می‌کند که در قرن اخیر از روی این اثر صورت گرفته است؛ یکی *رمان امریکایی مشهور* (۱۹۷۳) اثر فیلیپ راث و دیگری *زبیبه و المَلک* (۲۰۰۰) اثر صدام حسین.